

هزارتوی
بورخس

خورخه لوئیس بورخس
ترجمه مانی صالحی علامه

سه روایت از یهودا

داستان‌های تخیلی



کتاب پارسه

سرشناسه: بورخس، خورخه لوئیس، ۱۸۹۹-۱۹۸۶م. Borges, Jorge Luis
عنوان و نام پدیدآور: سه روایت از یهودا/ خورخه لوئیس بورخس؛ مترجم مانی صالحی علامه.
مشخصات نشر: تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب پارسه، ۱۳۹۱.
مشخصات ظاهری: ۱۲۰ ص.
شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۲۵۳-۰۶۷-۷

وضعیت فهرست‌نویسی: فیا.
یادداشت: Fictions Collected عنوان اصلی:
موضوع: داستان‌های کوتاه آرژانتینی - قرن ۲۰.
شناسه افزوده: صالحی علامه، مانی، ۱۳۴۰ - مترجم.
رده‌بندی کنگره: PQ ۷۷۹۷/ب۹س۹ ۱۳۹۲
رده‌بندی دیوید: ۸۶۳/۶۲
شماره کتابشناسی ملی: ۲۹۰۰۸۲۱



■ سه روایت از یهودا

خورخه لوئیس بورخس	ترجمه مانی صالحی علامه
ویرایش و تولید: کارگاه ویرایش بنگاه ترجمه و نشر کتاب پارسه	فاطمه دفتری
حروف‌چینی و آماده‌سازی: آتلیه کتاب پارسه	سمانه حسن‌زاده
طراح گرافیک:	پرویز بیانی
نوبت و شمارگان: چاپ اول ۱۳۹۲، ۱۵۰۰ نسخه	قیمت: ۶۰۰۰ تومان

© حق چاپ محفوظ است.

بنگاه ترجمه و نشر کتاب پارسه
● تهران، خیابان انقلاب، خیابان فخررازی، خیابان شهدای زاندارمری شرقی، پلاک ۷۴.
طبقه دوم، تلفن، ۰۵ ۶۶۴۷۷۴
● www.parsehbook.com / info@parsehbook.com ●

فهرست

۹	مقدمه
۱۳	فونس، حافظه‌اش
۲۷	داغ زخم شمشیر
۳۷	مضمون خائن و قهرمان
۴۳	مرگ و قطب‌نما
۶۳	معجزه پنهانی
۷۵	سه روایت از یهودا
۸۵	پایان
۹۱	آیین ققنوس
۹۷	جنوب
۱۰۹	پی‌نوشت
۱۱۳	واژه‌نامه

مقدمه

داستان‌های این کتاب، هرچند با خام‌دستی کم‌تری نوشته شده، فرقی با داستان‌های کتاب قبلی ندارد. دوتای آن‌ها شاید درخور بعضی توضیحات باشد: «مرگ و قطب‌نما» و «فونس، حافظه‌اش». دومی یک استعاره مفصل و طولانی است برای پی‌خوابی. اولی، با وجود اسم‌های آلمانی و اسکاندیناویایی‌اش، در بوئنوس آیرسی رؤیایی اتفاق می‌افتد: جاده پرپیچ‌وخم «رو دو تولون» همان «پاستو دی خولیو» است؛ «تریستل-لی-روی» همان هتلی است که در آن، جلد یازدهم دایرةالمعارفی خیالی به دست هربرت اشنه رسید، ولی احتمالاً آن را نخواند. پس از نوشته شدن این داستان تخیلی، فکر کردم به زحمتش می‌ارزد که زمان و مکان داستان را گسترش دهم: انتقام را می‌توان برای دیگران به ارث گذاشت؛ دوره‌های زمانی را می‌توان به سال محاسبه کرد، شاید هم به قرن؛ اولین حرف یک اسم خاص می‌تواند در ايسلند بر زبان آورده شود، دومی در مکزیک، سومی

در هندوستان. آیا نیازی هست که بگوییم در میان فرقه‌های حسیدیم هم قدیسانی هستند و قربانی کردن چهارزندگی برای به دست آوردن چهار حرف مورد نیاز آن اسم، تخیلی است که قالب و ترکیب داستانم اینجا بکار برده است؟

بعدالتحریر - ۱۹۵۶

سه داستان به این کتاب اضافه کرده‌ام: «جنوب»، «آیین ققنوس» و «پایان». جز شخصیت - رکابارن - که عدم تحرک و حالت انفعالی‌اش برای ایجاد تضاد در داستان به کار گرفته می‌شود، هیچ چیز (یا تقریباً هیچ چیز) در سیر کوتاه داستان‌های دیگری، ابداع من نیست - همه چیز آن در کتاب مشهوری آمده است - هرچند من اولین کسی بوده‌ام که آن را دریافتم، یا حداقل علناً چنین دریافتی را اعلام کرده‌ام.

در داستان تمثیلی ققنوس، برای خودم مسئله تصور یک عملکرد عمومی - حفظ اسرار - را از سر تأمل و به تدریج و با این همه، در پایان، به شکلی روشن و اشتباه‌ناپذیر مطرح کرده‌ام. مطمئن نیستم که تا چه اندازه موفق بوده‌ام. درباره «جنوب»، که شاید بهترین داستان من باشد، فقط همین قدر به خواننده می‌گویم که می‌توان آن را، هم مثل روایت سراسر است حوادث داستانی خواند، و هم کاملاً به شکلی دیگر.

شوپنهاور، دی کوئینسی، استیونسون، ماتیر، برنارد شاو، چسترتون، لئون بلوی؛ این فهرست نامتجانس نویسندگانی است که من دائماً آثارشان را بازخوانی می‌کنم.

در فانتزی مسیح‌شناختی «سه روایت یهودا»، فکر می‌کنم

می‌توانم تأثیر ضعیفی از آخرین نویسندهٔ این فهرست (لئون بلوی) را
تشخیص دهم.

— خورخه لونیس بورخس

بوئنوس آیرس، ۲۹ آگوست ۱۹۴۴/۱۹۵۶

www.ketab.ir